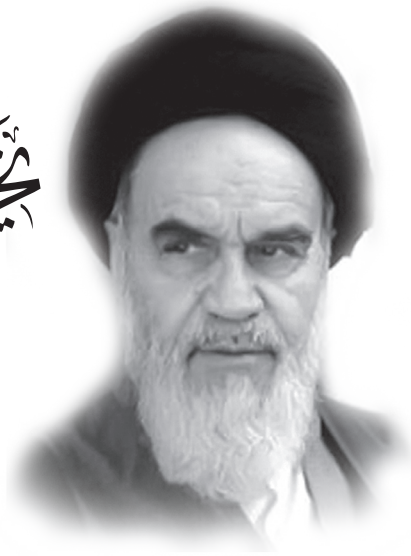


تَحْرِیرُ الْوَسِیْلَةِ

لِلْإِمَامِ الرَّضِيِّ خَمِينِي

كِتَابُ الْوَقْفِ



حسن پویا

وقف در اندیشه و آثار امام خمینی

چکیده:

بررسی و کنکاش پیرامون موضوع وقف و واقفان و نیز بررسی جایگاه آن در اندیشه دینی و از نگاه فقیهان، نشان دهنده اهمیت آن است.

مقاله حاضر پس از بررسی وقف در فرهنگ نامه‌ها، با نگاهی به آثار امام خمینی، به ویژه کتاب تحریر الوسیله و صحیفه امام به این موضوع پرداخته و جایگاه وقف را از نگاه بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران به بحث نشسته است.

بررسی استفتانات از حضرت امام و پاسخ‌های ایشان به ویژه پس از انقلاب اسلامی، و نیز نگاهی به «کتاب الوقف» تحریر الوسیله، بازگوکننده جایگاه وقف در نظر ایشان است.

کلید واژه:

امام خمینی، وقف، واقفان، تحریر الوسیله، صحیفه امام.

وقف آب‌ها و قنات‌ها گرفته تا زمین‌ها و ساختمان‌ها و مساجد و تکایا و حسینیه‌ها و اموال مختلفی که به نحوی سوددهی داشته و دارد، همگی مورد وقف بوده و هستند.

وقف، این سنت بزرگ الهی و میراث ماندگار جاوید، مورد توجه میراث‌داران جوامع بشری در همه زمان‌ها و مکان‌ها بوده و از دیدگاه واقفان به عنوان عمل خیر و ماندگار، زمینه‌ای برای توجه به مستمندان و نیازمندان و رفع نیاز عموم مردم بوده است.

نگاه مردم به وقف و واقفان نیز نگاهی خیرخواهانه و سعادت‌مندانه بوده است؛ یعنی مردم واقفان را به عنوان خیران جامعه و انسان‌هایی بشردوست می‌شناسند و با نگاه مهربانانه، آنان را پدرانی دلسوز برای جوامع و مردم می‌دانند که خیر و سعادت ابدی را با وقف برای خود به ارمغان آورده‌اند.

در میان متون روایی نیز روایات فراوانی بر موضوع وقف و واقفان تکیه کرده‌اند و ابعاد و احکام مختلف آن را بیان داشته‌اند. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ،

وقف یکی از شایع‌ترین و ماندگارترین اعمال خیری است که در میان جوامع و ملل مختلف به صورت‌های گوناگون و متناسب با فرهنگ و اعتقادات آنان مورد توجه و عنایت بوده و هست؛ چنان‌که از دیرباز در میان متمولان و صاحبان ثروت این موضوع به‌جد مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌ویژه در میان مسلمانان معتقد به مبانی دینی رونق بسیار داشته است تا آنجا که در برخی از کشورهای اسلامی موضوع وقف و واقفان و موقوفات نیازمند سازمان و اداره و بعضاً وزارت‌خانه‌ای عریض و طویل گردیده است تا رتق و فتق امور مربوط به وقف در آنجا سامان یابد و واقفان با اطمینان بیشتری به این مسئله روی آورند.

همه کسانی که از خود موقوفاتی برجای گذاشته‌اند عموماً با انگیزه دینی و آخرتی به این موضوع نگریده‌اند و آن را الباقیات الصالحات پنداشته، به امید اجر و ثوابی اخروی پای در این عرصه نهاده‌اند؛ گرچه مسائل انسانی نیز مورد توجه آنان بوده و بسیاری به همین جهات انسانی به آن روی آورده‌اند.

با اهمیت‌تر اینکه عرصه وقف و موقوفات مختص موارد خاصی نیست و زمینه‌های مختلف را در برمی‌گیرد: از

فهي تجري بعد موته؛ و سنه هُدَي سَنها،
 فهي يُعَمَلُ بها بعد موته؛ و ولد صالح
 يدعو له؛ بعد از مرگ برای انسان‌ها
 تنها سه اجر ماندگار و باقی می‌ماند:
 اول صدقه دائمی (وقف) که در زمان
 حیات انسان گذاشته شده و ادامه دارد.
 دوم سنت نیکوئی که دیگران به آن
 عمل می‌کنند و سوم فرزند صالحی که
 برایش دعا می‌کند.^۱

این سخن با بیان‌های مختلف در
 تعدادی از روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام
 آمده است.^۲

وقف در فرهنگ‌نامه‌ها

در فرهنگ‌نامه‌های مختلف عربی و
 فارسی وقف و واقف معنی شده‌اند. از
 جمله در دائرة المعارف فارسی مصاحب
 آمده است:

وقف در اصطلاح فقها، حبس عین
 ملک و بخشیدن منفعت آن (به قول فقها
 حبس العین و تسبیل المنفعة)^۳ است.

وی در ادامه، مقصود از کلام فقیهان را
 بیان می‌کند و به واقف و موقوف علیه و
 موقوف می‌پردازد. سپس به معنای وقف
 در اصطلاح قاریان قرآن توجه می‌کند
 و آن را «قطع تلفظ صوت برای نفس
 گرفتن» معنا می‌نماید و انواع وقف در

قرائت را توضیح می‌دهد.

اما در فرهنگ بزرگ سخن مرحوم
 انوری وقف را این‌گونه معنی می‌کند:
 وقف (فقه، حقوق) عقدی که بر طبق آن
 شخصی مال معینی از اموالش را جهت
 استفاده فرد یا افرادی یا مؤسسه‌ای
 اختصاص می‌دهد و پس از آن، مال
 مذکور از ملکیت واقف خارج شده و
 قابل نقل و انتقال نخواهد بود.^۴

وی در ادامه به معانی مجازی وقف
 می‌پردازد و برای آن از کلام بزرگان و
 شاعران نمونه‌هایی می‌آورد و سپس به
 وقف خاص و وقف نامه و تعریف آن
 می‌پردازد. همچنین به توضیح کلمه
 «واقف» می‌پردازد و با بیان معنای آن در
 ادبیات، از نظر فقه آن را چنین تعریف
 می‌کند:

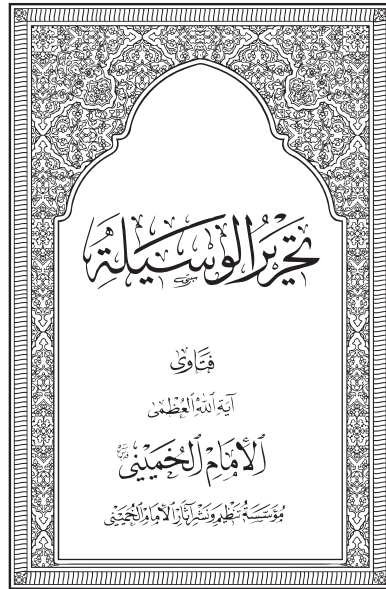
«آن که مالش را برای استفاده در راه
 هدف عام‌المنفعه، به موجب عقد خاصی
 اختصاص دهد».^۵

امام خمینی علیه‌السلام و وقف

امام خمینی علیه‌السلام همچون بسیاری از
 فقیهان و عالمان به مسئله وقف به عنوان
 بحث فقهی نگریسته و به تبیین و توضیح
 آن پرداخته است.

در طول حیات علمی و فقه‌تشی

حضرت امام، علاوه بر آنچه در کتاب فقهی ارزشمند تحریر الوسیله با عنوان «کتاب الوقف» آمده، حدود ۲۰۰ استفتاء در موارد مختلف از ایشان شده است که نشان از اهمیت و جایگاه بلند این موضوع دارد. مجموعه استفتانات حضرت امام در



کتابی مستقل با همین عنوان در چند جلد به چاپ رسیده، و اکنون در حال بازنگری و موضوع‌بندی جدید بر اساس کتاب تحریر الوسیله است که در آینده نه چندان دور به چاپ خواهد رسید. در کتاب ۲۲ جلدی صحیفه امام - که تمام سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نامه‌های حضرت امام علیه السلام از سال ۴۲ تاکنون گردآوری شده است - به مواردی برمی‌خوریم که به موضوع وقف

و واقفان و موقوفات برمی‌گردد. در این نوشته نخست به این چند مورد که در صحیفه امام آمده است نگاهی خواهیم داشت و سپس به بررسی گذرای بحث وقف در کتاب فقهی تحریر الوسیله می‌پردازیم.

در صحیفه امام حدود ده مورد درباره وقف و واقفان و برخی از موقوفات سخن به میان آمده است.

یکی از مواردی که درباره وقف سخن گفته شده، در جایی است که حضرت امام علیه السلام درباره حضرت امیر علیه السلام و عظمت و جایگاه آن بزرگوار سخن می‌گوید و از برخی حساسیت‌هایی که آن حضرت در دوران حکومت خودشان داشتند پرده برمی‌دارد. سپس گذری به زندگی ساده و بی‌پیرایه حضرت می‌افکند و ضمن یادکرد از برخورد ایشان در جریان ربوده شدن خلخال از پای دختر یهودی یا نصرانی و خروش امام علی علیه السلام بر مسلمانان - که از درد و ننگ، انسان سزاوار مردن است -، به حکومت‌داری و حاکمیت بر مردم و مردم‌داری حضرت اشاره می‌کند؛ سپس به زندگی شخصی حضرت اشاره می‌کند و می‌گوید:

همان روزی که با ایشان بیعت کردند به سلطنت، به اصطلاح، و به امامت و

خلافت، همان روز، بعد از اینکه این کار را کردند، آن کلنگش را برداشت رفت سراغ کارش، که کار می‌کرد خودش با دست خودش. آن وقت می‌کرد برای چه؟ آن قنات را وقتی که درآورد، یک کسی گفت که مثلاً مبارک است، چه است، فرمود که مبارک برای ورثه است. بعد گفت: [قلم] بیاورید. وقف کرد آنجا را برای مستمندان.^۶ ما یک همچو حاکمی، طالب یک همچین حاکمی هستیم.^۷

امام خمینی علیه السلام با یادکرد از حکومت و خلافت امام علی علیه السلام نخست چگونگی زندگی محرومانه آن بزرگ‌مرد را بیان می‌کند؛ سپس به مسئله بسیار مهمی که در نظر ایشان از اهمیت بالایی برخوردار بوده است - یعنی کندن قنات و بلافاصله وقف کردن آن برای مستمندان و بیچارگان - می‌پردازد که در واقع نشانگر اهمیت این موضوع و بیانگر فلسفه وقف است که همان نجات محرومان از تنگدستی و محرومیت است.

واقفان نیز به ویژه آنان که به فکر عموم هستند، دیدگاهشان درباره وقف، کاری عام‌المنفعه و در راه محرومیت‌زدایی و نجات فقیران از فلاکت و زندگی سخت است.

مورد دیگری که حضرت امام علیه السلام به

تناسب، به مسئله وقف و سازمان اوقاف اشاره می‌کند، در سال ۱۳۵۷ در نوفل لوشاتوی پاریس است. مناسبت آن بود که حکومت پهلوی، به عنوان دولت آشتی ملی، شاپور بختیار را به عنوان نخست وزیر تعیین می‌کند و آمریکا از او حمایت می‌نماید. امام با بر ملا کردن نقشه آنان و اشاره به حمایت آمریکا از شاه و اکنون از دولت بختیار می‌فرماید: این دولت‌ها قانونیت ندارند و وعده‌های این دولت هم مثل وعده‌های دولت‌های سابق است و شاه و هر کس را که او تعیین کند مجرم است. سپس به برخی نقشه‌های دولت اشاره می‌کند. از جمله می‌فرماید:

این یک نقشه بوده است که یک دولتی بیاورند که وعده به مردم بدهد. ما محاکمه می‌کنیم اینها را! ما اوقاف را برمی‌گردانیم به علما!

علما چه احتیاجی به اوقاف دارند که می‌خواهی رشوه بدهی به علما! علما احتیاج به اوقاف دارند؟ علما اگر اوقاف را به دست بیاورند، می‌دهند به آنهایی که بر آنها وقف شده‌است. به صاحبان وقف می‌دهند. تو با این کلمه می‌خواهی علما را بازی بدهی که ما اوقاف را برمی‌گردانیم به علما؟^۸

حضرت امام علیه السلام در این سخن علاوه

بر توجه به جایگاه وقف و اوقاف و سوء استفاده دولت غاصب بختیار از این سازمان برای بستن دهان علما، به حکومت و نقشه‌های شوم آنان برای خریدن برخی از عالمان درباری اشاره می‌کند که وقف مال بی‌صاحب نیست که به هر کس بخواهید بدهید و در اختیار هر که خواستید قرار دهید، بلکه هر وقفی صاحب یا صاحبانی دارد که باید به آنان داده شود که شما حق ندارید در آنها تصرف کنید و یا به دیگران واگذار نمایید.

با این سخنرانی، حضرت امام علیه السلام با هوشیاری تمام حيله‌ها و بازی‌های شیطانی حکومت پهلوی را افشا می‌نماید و اینکه آنها می‌خواهند از هر مسئله‌ای به نفع خودشان بهره ببرند و سوء استفاده کنند. در عین حال به علما نیز هشدار می‌دهد که توجه به حيله‌های آنها داشته باشند.

وقف در صحیفه امام علیه السلام

به جز آنچه تا کنون از صحیفه امام نقل شد، در شش مورد دیگر نیز امام به تناسب سؤالات و یا مراجعاتی که شده است نکاتی را درباره وقف بیان کرده است که ما در این نوشتار به ترتیب تاریخ و ثبت آنها در صحیفه امام، آنها

را ذکر می‌کنیم:

۱. در جلد دوم، صفحه ۱۶۱، سندی به تاریخ دی ماه سال ۱۳۴۶ چاپ شده است که در پاسخ به سؤالات جناب آقای حسین فومنی که از سرقفلی و وقف سؤال کرده‌اند، در بند ۴ جوابیه آمده است:

«۴. محلی را که برای سیدالشهداء وقف نموده‌اند نمی‌توان مسجد کرد؛ باید به هر نحو که وقف شده است عمل نمود.»

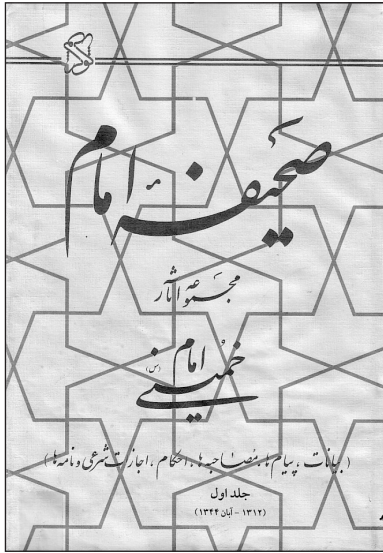
از آنجا که در کتاب صحیفه امام تنها سخنان امام آمده است، در همه مباحث اعم از اجازات، پاسخ‌ها و جوابیه‌ها و اعلامیه‌ها و پیام‌ها، سخنان دیگران و یا سؤالات آنها در بسیاری موارد آورده نشده است؛ از این رو ظاهراً جناب آقای فومنی از سرقفلی و نیز وقف مکان خاصی برای امام حسین علیه السلام سؤال کرده است و حضرت امام در بند ۴ پاسخ - چنان‌که مشاهده کردیم - به این سؤال پاسخ می‌دهد که وقف برای امام حسین علیه السلام را حتی برای مسجد هم نمی‌توان استفاده کرد و بر اساس حکم فقهی قطعی، باید در همان مورد وقف استفاده شود و به وقف‌نامه عمل گردد.

۲. یکی از مسائلی که بعد از انقلاب

اسلامی ایران همه ایرانیان به ویژه مسؤولان محترم نظام و در رأس آنان بنیان گذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام بسیار با اهمیت بود و از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های شبانه‌روزی گردید، مسئله جنگ و حمله صدام حسین به ایران اسلامی بود. مسائلی از قبیل تأمین نیرو، بودجه، امکانات نظامی، تجهیزات روز و... مسؤولان را سخت مشغول کرده بود و تلاش می‌کردند تا از راه‌های مختلف و ممکن بتوانند هزینه‌های جنگ را تأمین نمایند؛ از این رو در پنجم آذر ۱۳۵۹ از طرف آقایان امام جمارانی و محمد علی نظام زاده به عنوان نمایندگان حضرت امام در سازمان اوقاف و امور خیریه، درباره برخی از پول‌هایی که در اختیار آن سازمان است برای مصرف در جبهه‌های جنگ و آوارگان جنگی و یا ترمیم خرابی‌ها و جبران خسارت‌های جنگی سؤال می‌کنند. حضرت امام علیه السلام در جواب می‌گوید:

پول‌های معلوم المصرفی که وقت آنها گذشته و یا پول‌هایی که موضوع وقف و مورد آنها منتفی شده است می‌تواند در مصارف یادشده مصرف شود و شما مجاز هستید که در این راه مصرف نمایید.^۹

در همان پاسخ به نکته‌ای درباره اموالی که از اراضی موقوفه فروخته شده، ولی از نظر سازمان اوقاف جمهوری اسلامی باطل بوده اشاره می‌کند که در مرحله اول می‌فرماید:



معاملات باطل بوده و در صورت معلوم بودن طرف معاملات، از آنان مطالبه مال الاجاره بشود. اگر ندادند، مجازید به مقدار آن برداشت نمایید برای مصارف مذکوره؛ و اگر مجهولند، مجازید تمام پول یا بعض آن را در موارد مذکور [جبهه‌های جنگ و آوارگان جنگی و...] مصرف نمایید.^{۱۰}

در این پاسخ توجه دقیق به جوانب موضوع و راه مصرف درست موقوفات به خوبی دیده می‌شود که به ظرافت مسائل

فقهی و دقت نظر امام علیه السلام برمی گردد که مسؤلان باید به دنبال افراد بروند؛ و اگر نتوانستند آنها را پیدا کنند و مجهول بودند، در مصارف جنگی مصرف شود، و الا چنین امری مجاز نیست و باید در جای خودش مصرف گردد.

نکته دیگری که در این پاسخ آمده، ابطال معاملات قبلی و مطالبه مال الاجاره سال‌هایی است که ملک وقفی در اختیار آنان بوده و با معامله باطل در آنها تصرف کرده‌اند و از آن املاک بهره می‌برده‌اند.

۳. در سال ۱۳۶۲ کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای را ارائه داد که بودجه دولتی سازمان اوقاف و امور خیریه قطع شود. در نتیجه سازمان موظف گردید بودجه خودش را از درآمد موقوفات تأمین نماید. این مصوبه سبب اختلاف نظر بین سرپرست سازمان اوقاف و نمایندگان حضرت امام در سازمان با مجلس و نمایندگان گردید و در نهایت تصمیم گرفته شد تا از حضرت امام استفتاء شود و طبق نظر ایشان عمل گردد؛ از این رو طی نامه‌ای به محضر حضرت امام علیه السلام و با امضای آقایان سید مهدی جمارانی و محمد علی نظام‌زاده - نمایندگان ایشان در سازمان - و آقای محمدرضا اعتمادیان، معاون

نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۶ نظر امام را جویا شدند. امام خمینی علیه السلام در پاسخ مرقوم فرمود:

بسمه تعالی

به مقدار لزوم وقف در حفظ و جمع و خرج و حق زحمت کارگران می‌توان از وقف صرف کرد و زاید بر احتیاجات از این امور جایز نیست.^{۱۱}

روح الله الموسوی الخمینی

از آنجا که املاک وقفی نیازمند نگهداری و حراست است و همچنین باید از جهات مختلفی مورد بررسی و اقدام قرار گیرد، و اساساً سازمان اوقاف به همین جهت و برای رسیدگی به این امور تشکیل شده است و در هر ملک وقفی می‌توان حق الزحمه‌ای برای امور مربوط به آن در نظر گرفت،^{۱۲} لذا امام با توجه به این مسئله و تأکید بر «مقدار لزوم» اجازه داد و بقیه را جایز ندانست.

۴. مورد دیگری که در صحیفه امام به آن پرداخته شده، موقوفات مرحوم حسین همدانیان از متمولان و ثروتمندان اصفهان است که در زمان رژیم سابق با فشار و زور از او گرفته شده بود و بر خلاف میل ایشان اساسنامه‌ای تنظیم کرده بودند. بعد از انقلاب به جهت مشکلات

فراوان آن، مسئله به برخی از بزرگان
احاله شد و در نهایت برای رفع مشکل به
مرحوم آیت الله العظمی منتظری واگذار
گردید. ایشان پس از بررسی‌های فراوان
و تشکیل پرونده‌ای قطور، طی نامه نسبتاً
مفصلی خدمت حضرت امام، نظر مبارک
ایشان را جویا می‌شود و امام هم با تشکر
از زحمات مرحوم آیت الله خادمی و
سایر آقایان دست‌اندر کار این مسئله، در
نهایت مرقوم می‌فرماید:

اکنون که پس از بررسی طولانی،
مفاد وصیتنامه و وقفنامه مشخص شده
است، لازم است به همان نحو که در
ورقه مرقوم شده است عمل شود.^{۱۳}

و با این حکم، حضرت امام نظر
حضرت آیت الله العظمی منتظری رحمته الله را
در این مورد تأیید کرد و به عمل به مفاد
وقف‌نامه دستور می‌دهد.

۵. یکی از موارد بسیار مهم و قابل
توجه موقوفات در ایران و حتی برخی
از کشورهای همسایه، موقوفات آستان
قدس رضوی است. گستردگی، توسعه
و تنوع فراوانی که در موقوفات آستان
مقدس علی بن موسی الرضا علیه السلام وجود
دارد، نشان از توجه و اعتقاد و شیفتگی
خاص مردم و متولیان و معتقدان به
ولایت ائمه علیهم السلام دارد.

اراضی و املاک فراوانی که در سرتاسر
ایران متعلق به علی بن موسی الرضا علیه السلام
است، انصافاً بی حد و حساب است. در
بسیاری از شهرهای ایران، علاقه‌مندان و
شیفتگان به این امام همام اموالی را وقف
آستان مقدسش کرده‌اند که همه ساله
عایدات و درآمدهای بی‌شماری را به آن
آستان مقدس سراریر می‌کند. سر و سامان
بخشیدن به این همه اموال خود سازمانی
عریض و طویل را می‌طلبد که به آنها
رسیدگی نماید.

در رژیم گذشته متأسفانه همچون موارد
بسیار دیگر به وقفنامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها
و نکات شرعی آن کمتر توجه می‌شد.
گاهی هم به کل نادیده گرفته می‌شد و
اموالی حیف و میل می‌گردید و به هر
نحوی که خودشان صلاح می‌دیدند و
منافع آنها می‌طلبید، در موقوفات دخل و
تصرف می‌کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و توجه
و دقت حضرت امام علیه السلام به اموال مختلف
و بیت المال مسلمین، ایشان توجهی ویژه
نیز به این آستان شریف داشت تا آنجا که
آن را «مرکز ایران اسلامی» نامید.^{۱۴} امام
بلافاصله سرپرستی برای آن مشخص
کرد که به تمام امور آستان مقدس امام
رضا علیه السلام رسیدگی کند و در حکمی که

در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ - یعنی سه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی - صادر کرد و نشان از اهمیت موضوع دارد فرمود:

لازم است با کمال جدیت و به طور دقیق حفاظت از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر آنچه مربوط است به آن آستان مقدس بفرمایید، و از حیف و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید.^{۱۵}

در این حکم که خطاب به حجّت الاسلام والمسلمین واعظ طبسی نوشته شده، چنان که ملاحظه می‌شود، نکاتی بسیار دقیق و با توجه به همه جوانب مطرح شده است. حفاظت از ذخایر مهم آستانه که از گنجینه‌های با عظمت کشور است؛ مثل کتابخانه بزرگ این آستان، محتویات فراوان و قیمتی داخل ضریح مطهر حضرت رضا علیه السلام، موقوفات آستان قدس و نیز توجه دادن به موقعیت آن زمان کشور که ممکن است برخی از آن سوء استفاده کنند و به فکر جمع کردن اموالی برای خود و دیگران باشند، از نکات مهم مندرج در این حکم است.

امام سپس در ۱۵ فروردین سال ۱۳۵۹، یعنی در ظرف کمتر از دو سال، به آقای طبسی حکم تولیت آستان قدس

را می‌دهد و در آن علاوه بر نکات قبل و تصریح مجدد بر آنها - با همان الفاظ و دقایق قبلی - و نیز تأکید بر همکاری خدام محترم حرم رضوی، با توجه به احکام خاص وقف و حساسیت موقوفات اضافه می‌کند که:

و آنچه لازم به تذکر است این مطلب می‌باشد که هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی مانند جهاد سازندگی و همچنین وزارت ارشاد ملی و یا اشخاص عادی، حقّ دخالت در موقوفات و سایر متعلقات آستان قدس را ندارد.^{۱۶}

تذکر نکات فوق به جهت اوضاع و احوالی بود که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بر برخی نهادهای انقلاب و یا اشخاص حاکم بود و تصور می‌کردند که چون حکومت اسلامی شده است، همه چیز از آن همگان است و حقّ دخالت و تصرف در همه جا را دارند؛ از این رو حضرت امام علیه السلام با حساسیت خاص و توجه به موضوع وقف می‌فرماید که نهادها انقلابی باشند یا وزارتی، هیچ کدام حقّ دخالت در این گونه امور و تصرف در آنها را ندارند و نباید تصور کرد که انقلابی بودن معنایش هرج و مرج و خلاف مقررات شرعی و اسلامی و قانونی عمل کردن است، بلکه در همه امور باید

موازين شرعى و قانونى رعايت شود و هيچ كس در هيچ نهاد يا وزارت خانه‌اى نبايد تصور كند كه مى‌تواند در اين اموال بدون رعايت حدود شرعى دخالت كند و از آنها بهره ببرد، و لو در نهادى مثل جهاد سازندگى؛ كه مى‌دانيم اساس تشكيل اين نهاد براى محرومان و كمك به مستمندان بود و عمدتاً جوانان متدين و زحمت‌كش و علاقه‌مند براى رضاي خداوند در آنجا خدمت مى‌كردند.

به هر حال، مورد پنجم كه در صدد بيان آن هستيم مربوط به آستان قدس رضوى و سؤالى است كه توليت محترم آن در سال ۱۳۶۵ از محضر امام مى‌كند. اين سؤال مربوط به اراضى شهرستان سرخس و دخل و تصرف خاندان پهلوى (پدر و پسر) است. امام ابتدا كليۀ تصرفات آنان را محكوم به بطلان مى‌داند^{۱۷} و سپس بر مصرف درست آن بر اساس مصالح آستان قدس رضوى تأكيد مى‌كند و به نايب‌التوليه آستان قدس اجازه مى‌دهد آن‌گونه كه به صلاح آستان مقدس است عمل كند.

نكته با اهميت و مورد دقت امام در اين پاسخ، تصرفات و تغييراتى است كه قبلاً در اين موقوفات صورت گرفته و ايشان دستور مى‌دهد به حال اوليه بازگردد:

نيز چنانچه موقوفاتى فروخته شده يا تغييراتى در آنها داده شده، بايد در صورت امكان به حال اول بازگردد؛ و اگر امكان ندارد، با مراعات جهت وقف در آنها تصرف شود^{۱۸}.

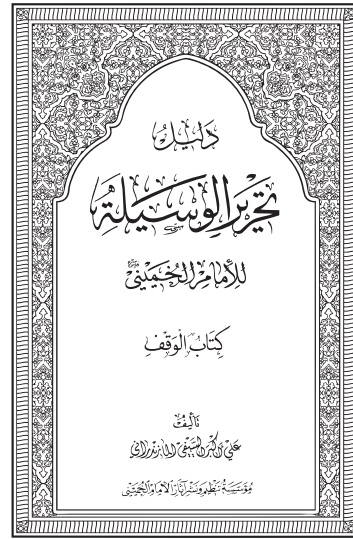
۶. آخرين موردى كه در كتاب ارجمند صحيفه امام در موضوع وقف به آن پرداخته شده، درباره ملك موقوفه‌اى در كرمان است كه آقاى مجيد انصارى كرمانى، به لحاظ مسئوليتى كه در آنجا داشته است، از ايشان درباره مصرف ملكى موقوفه براى خواهران طلبه سؤال مى‌كند كه ايشان در پاسخ مى‌گويد:

در آمد ملك مزبور به خواهران طلبه نيز مى‌رسد و در اين جهت فرقى ميان طلاب مرد و زن نيست^{۱۹}.

حساسيت درباره موقوفات و تصرفات و استفاده از آنها به قدرى است كه حتى حدود آن مورد توجه متوليان و مصرف‌كنندگان قرار دارد؛ لذا ملكى كه در ۱۵۰ سال قبل براى مدرسه‌اى علميه وقف شده، اکنون مورد سؤال قرار مى‌گيرد كه آيا منظور تنها طلاب مرد است و يا شامل طلبه به معنای عام مى‌شود، و حضرت امام عليه السلام مصرف آن را براى عموم طلاب اعم از زن و مرد جايز مى‌داند.

وقف در تحریر الوسيلة

یکی از ماندگارترین آثار مکتوب حضرت امام خمینی علیه السلام کتاب فتوایی - فقهی تحریر الوسيلة است. این اثر



گران‌سنگ که به خامه فقهی متبحر و اصولی‌یی مبرز و فیلسوفی عارف نگاشته شده، از امتیازات متعددی برخوردار است که در کمتر کتاب فتوایی می‌توان دید. تحریر الوسيلة در بردارنده عمده ابواب فقهی مورد نیاز، همراه با نوآوری‌ها و مباحث نوین فقهی، به دور از فروعات نادر و کم‌ابتلاست. این کتاب ارزشمند نکات دقیق و ظریف آثار مشابه پیش از خود از جمله ذخیره الصالحین و العروة الوثقی مرحوم سید محمد کاظم یزدی و نجات العباد صاحب جواهر را در خود

جای داده است.

تحریر الوسيلة در ابتدا به صورت حاشیه بر وسیلة النجاة نگاشته شده و سپس این حواشی توسط مؤلف ارجمند حضرت امام خمینی علیه السلام در «بورسا» ترکیه، در سال ۱۳۸۴ هـ در حالی که کتب و منابع محدودی در اختیار داشت، در متن وسیله داخل شده و با اضافاتی به صورت متن موجود درآمده است.

بر این کتاب که به لحاظ جامعیت و نیز برخورداری از اضافاتی در مسائل مستحدثه اثری ماندگار در میان آثار فقهی شیعه شده است، تاکنون ترجمه‌ها، شرح‌ها و تعلیقه‌های فراوانی نوشته شده که مجموع آنها به بیش از ۳۰ عنوان و حدود ۱۰۰ جلد می‌رسد.

برخی از این کتاب‌ها عبارت است از: تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، مستند تحریر الوسيلة، مبانی تحریر الوسيلة، مدارک تحریر الوسيلة، ترجمة فارسی تحریر الوسيلة، ترجمة اردوی تحریر الوسيلة، فقه الثقلین فی شرح تحریر الوسيلة، أنوار الفقاهة، مصباح الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، دلیل تحریر الوسيلة، مفتاح الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، معتمد تحریر الوسيلة و...

کتاب تحریر الوسيلة بر اساس ابواب

فقهی موجود در فقه تنظیم شده که از کتاب طهارت آغاز گشته و به کتاب دیات و خاتمه‌ای پیرامون مسائل مستحدثه پایان یافته است.

از این کتاب تاکنون چاپ‌های متعددی قبل و بعد از انقلاب عرضه شده است که چاپ‌های اخیر آن را «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - دفتر قم» با دقت و بازبینی‌های لازم به علاقه‌مندان عرضه کرده و بارها انتشارات عروج وابسته به این مؤسسه آن را به چاپ سپرده شده است.

اکنون این کتاب نیز مانند بسیاری از کتاب‌های بزرگان، در حوزه‌های علمیه متن درسی شده که در سطوح مختلف از مدارس علمیه گرفته تا دروس خارج برخی از بزرگان، تدریس می‌شود.

یکی از بخش‌های موجود در کتاب تحریر الوسيلة «کتاب الوقف» است، که در آن مسائل مربوط به وقف، موقوفه علیه و موقوفات مطرح شده است. این بخش دارای ده‌ها عنوان اصلی و فرعی است که برای اطلاع از مباحث وقف به آنها اشاره‌ای خواهیم داشت. توجه به این عناوین، نشان‌دهنده دقت مؤلف گران قدر آن حضرت امام خمینی است که در همه زمینه‌ها تأمل لازم را به خرج داده است: تعریف وقف، صیغه وقف، قصد

قربت در وقف، انواع وقف، شرائط وقف، شرائط موقوف و شرائط موقوفه علیه، احکام وقف، خرید و فروش وقف، تولیت وقف و نظارت بر آن و... از جمله مباحثی است که امام به تفصیل به آنها پرداخته است.

بر «کتاب الوقف» نیز شرح‌هایی نوشته شده که مشهورترین آن بخش وقف در کتاب تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة اثر شاگرد برجسته حضرت امام خمینی است که یک جلد از ۲۷ جلد این کتاب، همراه برخی عناوین دیگر به بحث وقف اختصاص یافته است.

کتاب دیگری که به تفصیل به این بحث وارد شده است، دلیل تحریر الوسيلة، کتاب الوقف اثر آیت الله شیخ علی اکبر سیفی مازندرانی، یکی از شاگردان دیگر حضرت امام خمینی است که در ۶۴۰ صفحه تدوین شده و به شرح و بسط تمامی ابواب کتاب الوقف پرداخته است.

بررسی همه ابواب کتاب الوقف تحریر الوسيلة مجالی فراخ می‌طلبد که شاید در گنجایش این مقاله و مجله گران سنگ و وزین وقف میراث جاویدان نباشد و فرصتی باید که به صورت دقیق و علمی وارد مباحث فقهی وقف شویم.

پی نوشت:

- ۱ . حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، (قم: آل البيت)، ج ۱۹، ص ۱۷۲.
- ۲ . همان، ج ۱۹، ص ۱۷۱ - ۱۷۵.
- ۳ . دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۳۱۷۱.
- ۴ . فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، ص ۸۲۶۰.
- ۵ . همان، ص ۸۱۵۶.
- ۶ . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، (بیروت: دار إحياء التراث العربی)، ج ۴۱، ص ۳۹.
- ۷ . صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶۴.
- ۸ . همان، ج ۵، ص ۴۵۷.
- ۹ . ر.ک: همان، ج ۱۳، ص ۳۷۷.
- ۱۰ . همان.
- ۱۱ . همان، ج ۱۷، ص ۴۱۶.
- ۱۲ . تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف.
- ۱۳ . همان، ج ۱۹، ص ۴۱۸ و ۴۱۹.
- ۱۴ . «اصلاً مرکز ایران آستان قدس است»، همان، ج ۱۶، ص ۳۸۷.
- ۱۵ . همان، ج ۶، ص ۱۴۳.
- ۱۶ . همان، ج ۱۲، ص ۲۲۴.
- ۱۷ . همان، ج ۲۰، ص ۶۰.
- ۱۸ . همان، ص ۶۱.
- ۱۹ . همان، ج ۲۱، ص ۲۲۹.